

زمینه های تغییر و تحول سبک شعر در عهد تیموریان

پوهنمل دکتر محمد داوود منیر

چکیده

سبک دوره‌یی یکی از زمینه‌های شناخت بهتر و جدی‌تر جریان ادبی در تاریخ ادبیات تمام دنیاست. در حوزه سبک‌شناختی ادبیات فارسی دری نیز یکی از دشواری‌های شناخت سبک‌های دوره‌یی این است، که در بسیاری از موارد به تمامی زمینه‌هایی تغییر و تحول سبک عنایت لازم صورت نگرفته است. هرچند زمینه‌های متعدد و متنوعی را برای تعیین حد و مرز سبک دوره‌های ادبی از جمله سیاسی، زمانی، مکانی و... در پژوهش‌های ادبی مطرح شده اند؛ مگر در پاره‌یی از موارد این دوره‌بندی‌ها به شدت سلیقه‌یی بوده اند. برخی از صاحب‌نظران میان سبک ادبی دوره خراسانی و عراقی سبک بینابینی قایل شده اند؛ مگر در میان سبک عراقی و هندی سبک بینابین، چندانی مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است. در این مقاله تلاش می‌گردد تا بدین پرسش‌ها و فرضیه‌ها، پاسخ‌های درخوری داده شود: آیا اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی دوره تیموریان ادامه روند ادبی در نظام چنگیزیان است؟ آیا حاکمیت تیموریان تأثیرهای دگرگونی‌یی بر شعر و ادب این دوره گذاشته است؟ آیا شعر دوره تیموریان، به تمامی دنباله شعر مکتب عراقی است یا تفاوت‌های فراوانی از آن دارد؟ و آیا شعر این دوره، آغاز مکتب ادبی هندی است؛ یا خود مکتب مستقلی است؟ مزید بر این‌ها به زمینه‌های دیگر تحول شعر و ادبیات نیز نیم-نگاه‌هایی انداخته می‌شود.

کلید واژه‌گان: سبک، دوره، دسته‌بندی، تاریخ، سیاست، مبانی تحول، هرات، تیموریان.

1. مقدمه

هرچند مباحث مربوط به سبک و سبک‌شناسی بیش از همه، ماهیت فردی دارند؛ مگر در پژوهش‌های سبک‌شناسی امروزی- به ویژه در تاریخ ادبیات‌ها به منظور نمایش تاریخ تحول ادبی و نقطه‌های تغییر و رویدادهایی که موجب تغییر و تحول در روند تولیدات ادبی می‌گردند- نیاز جدی به بررسی سبک دوره-یی دارند. سبک گروهی یا دوره‌یی را برای نخست بار «هندریکس» (در سال 1976م) (Hendricks, 1976: 72)، مورد توجه و عنایت قرار داد.

رنه ولک پژوهشگر باختر زمین، برشی از زمان، یا مجموعه‌یی از هنجارهای ادبی حاکم بر آن دوره را، سبک دوره‌یی تلقی نموده و می‌نویسد: «حدود دوره را نظامی از هنجارها تعریف می‌کند که، در مکانی تاریخی جای دارد...» (Wellek, 1973-3/485 & 4: 2/485)،

سبک دوره‌یی، یا به تعبیر برخی صاحب‌نظران از جمله پوهنوال محمد ناصر رهیاب، «مکتب ادبی»: حاصل ویژگی‌ها، الگوها و ساختارهای زبانی (آوایی، واژه گانی، نحوی) و گفتمان‌های مسلط بر هر دوره (تاریخگرایان) می‌باشد. به همین‌گونه متن‌گرایان، ادب پژوهانی اند که بیشتر به کیفیات ادبی و

تاریخ درونی ادبیات گرایش دارند، به تعبیر آنان «تعریف دوره‌های ادبی با هنجارهای غالب در ادبیات جذابیت بیشتری یافته است» (سارلی، 1391: 35).

از چشم انداز فریدریک جیمسون، «دوره، سبک یا شیوه اندیشه و عمل فراگیر، یکسان و مشترک نیست؛ بلکه به عنوان موقعیت و شرایط عینی/مادی مشترک در نظر گرفته می‌شود که در آن طیف کاملی از پاسخ‌های متفاوت و نوآوری‌های خلاقانه امکان‌پذیر است؛ اما همیشه درون چارچوب‌های ساختاری آن موقعیت و وضعیت خاص (Brown, 2001: 311). بنابراین سبک دوره‌یی در ظرف زمانی و مکانی تقریباً واحدی و در میان بافت موقعیتی ویژه‌یی شکل گرفته و استحکام می‌یابد.

1-1. تغییر سبک دوره‌یی یا مکتب‌های ادبی

سبک‌های دوره‌یی یا مکتب‌های ادبی در مسیر زمان و روند آفرینشی آثار هنری- از جمله ادبی- موجب تغییر و دگرگونی‌های می‌گردد. مراد از دوره، مقطع یا برشی از زمان و مکانی است که ابتدا و انتهای دارد؛ هرچند حد و مرز زمانی آن به دقت تعیین نشده باشد (سارلی/29). از نظرگاه بندتو کروچه، اندیشیدن به تاریخ، به طور قطع به معنای تقسیم آن به دوره‌هاست، دوره‌ها دارای آغاز، پایان و توقف (کروچه، 1344: 112) می‌باشند. وگرنه، با اعتقاد به تغییرپذیری در زمانی (تاریخی)، دوره‌ها را به عنوان نشانگرهای تغییر، در خود واقعیت، معنادار می‌داند (همان: 132). به همین گونه دکتر فتوحی از پژوهشگران معاصر زبان و ادبیات فارسی دری، نقش عوامل اجتماعی (سنت، قدرت‌های سیاسی و نظام-های ایدیولوژیک) را، در تکوین و تحول سبک‌های گروهی یا دوره‌یی (فتوحی، 1390: 232) بسیار تأثیر گذار می‌داند.

2. عوامل دگرگونی سبک یا مکتب ادبی

سبک دوره‌یی همواره منجر به دگرگونی‌هایی می‌شود که صاحب‌نظران برای این دگرگونی‌ها، عوامل متعددی را بر می‌شمارند.

1-2. علامه صلاح الدین سلجوقی پژوهشگر کشور ما، نقش رشد و تکامل شعور انسان را در دگرگونی سبک ادبی (نقد بیدل، 1380: 44) بسیار تأثیر گذار می‌داند.

2-2. پوهنوال محمد ناصر رهیاب، نیز همچنان که عواملی همچون: جهانبینی، شرایط تاریخی فرهنگی، زبان، تعهد و کمالجویی و اصل‌های زمانی و مکانی را در تکوین (رهیاب: 1380: 69-86) سبک ادبی تأثیر گذار می‌داند، در تحول و تغییر سبک فردی و دوره‌یی نیز بی تأثیر نمی‌داند.

2-3. قیصر امین پور، شاعر و نظریه پرداز معاصر، زمینه‌های این تغییر و تحول را در پنج نظریه مورد بررسی قرار می‌دهد. از دیدگاه او زمینه‌ها و عواملی همچون: تاریخگرایی، دیدگاه دوری، فرضیه-ی تکامل طبیعی ارگاتیک، نظریه‌ی فرسایش و دیدگاه مُد از مهمترین عوامل تغییر سبک فردی و به ویژه دوره‌یی، شمرده می‌شوند.

از دید تاریخ‌گرایان: روح همه‌گانی و جهانی که در درون رویدادهای تاریخی نهفته است، در حال تغییر و تحول است، بنابراین هنر نیز همگام با تحول، دگرگون می‌شود. هیپولیت تن، تحول ادبی را، جزئی از فرایند تاریخی عمومی می‌داند.

دیدگاه دوری: دیدگاهیست بر مبنای تز و انتی تز. در این نوع نگاه، دو سبک اصلی (تز و انتی تز) هستی دارند، بقیه سبک‌ها، زیر مجموعه‌یی آن دو به حساب می‌روند. ولیوس پاترکولوس، تأکید بر تناوب دوره‌های شگوفایی و زوال هنری می‌داند.

در فرضیه‌ی تکامل طبیعی ارگانیک، هنر همچون پیکره‌یی زنده، بدون تأثیر پذیری از شرایط اجتماعی و صرف بر مبنای قوانین دیالکتیک اندک اندک تکامل، دگرگون، و از ساده‌گی به پیچیده‌گی گرایش پیدا می‌کند. هنر چنان موجودی زنده، دارای حیات و تابع مدار دوامدار است؛ مانند: کودکی، جوانی، پیری و مرگ.

نظریه‌ی فرسایش: تغییر سبک‌ها حاصل خسته‌گی و دلزده‌گی مردم از شگردهای کلیشه شده در هنر از جمله ادبیت است. بنابراین آفرینشگران به ناگزیر، برای مقابله با این خسته‌گی و اشباع به سراغ تغییر سبک می‌روند.

دیدگاه مُد: تنوع پذیری در هر نیازی در ذوق بشر وجود داشته و دارد، در هنر نیز چنین برخوردی، دلزده از شیوه‌یی و گرایش به سبکی دیگر (امین پور، 1384: 194-227) وجود دارد. تقابل‌های دوگانه کهنه و نو، سنتی و مدرن؛ به شدت با دیدگاه مُد همخوانی دارد.

مزید بر این‌ها، دیدگاه‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، که در زیر بدان‌ها نیز اشاره‌هایی می‌رود:

2-4. دکتر پورنامداریان، چهار عامل را در فرایند تغییر، تحول و تطور شعر کلاسیک عمده و اساسی می‌داند: به باور او عوامل سیاسی و اجتماعی، شخصیت فردی، مخاطبان شعر و چهارم سنت و میراث ادبی (پورنامداریان، 1388: 37-39) در روند تغییر و تحول هنر تأثیر زیادی دارند.

2-5. به باور محمود فتوحی، نقش جامعه‌شناسی، در فرایند دگرگونی سبک و مکتب ادبی، بسیار تأثیر گذار می‌تواند باشد. به باور او، سبک حاصل عوامل برونی و اجتماعی است. تأثیرگذاری عنصر زمان، موقعیت اجتماعی، بافت سخن (اجتماعی، فرهنگی و مذهبی) و دگرگونی‌های تاریخی و اجتماعی نیز؛ در سبک آفرینشگر (فتوحی، 1390: 223) و آفرینشگران تأثیر غیر قابل انکاری دارد.

2-6. داریوش صبور نیز، جهانبینی، اندیشه و عواطف هنرمند را در پیدایی و دگرگونی سبک فردی و گروهی تأثیر گذار می‌داند (صبور، 1384: 127).

3. مهمترین عوامل تغییر سبک ادبی عراقی به مکتب ادبی هرات

3-1. تغییر اوضاع سیاسی-اجتماعی

در دوره چنگیزیان (قرن هفتم و هشتم ه. ق)، ما شاهد استبداد نظام، آداب و رسوم معاشرت مغولی در دربار، تسلط یاسانامه‌ی چنگیزی، دخول واژه‌های ترکی-مغولی و مسایلی دیگر از این دست بوده ایم؛ مگر در دوره تیموریان، آن آرامش نسبی، حرمت علما مشایخ و متصوفین، شکل‌گیری فرهنگ و تمدن بزرگ، رشد فرهنگ و هنر و ادب، منسوخ شدن یاسای چنگیز (در 815 ق توسط شاهرخ) از عوامل عمده و برجسته در تغییر و تحول شعر این دوره می‌تواند، بوده باشد.

به نظر دکتر عبدالحی حبیبی، تیموریان، پادشاهانی متدین، مهذب و هنرپرور بوده اند. در دوره این پادشاهان فرهنگ و فکر و دین کاملاً خراسانی بوده، دربارها پرورشگاه ادب و هنر شده و افکار و فرهنگ مشترک آسیایی در آن حاکم بوده است و به همین گونه، مرکز همه این روندهای تکامل هنری و ادبی خراسان بوده است (حبیبی، 1384: 41).

به باور دکتر ذبیح الله صفا، شاهرخ مردی دیندار، عادل، صلحجو، بخشنده، دوستدار علم و ادب، حامی عالمان و ادیبان، خواهان آبادی، ... شاعر، خوش نویس، هنر دوست بوده است. در زمان وی، هرات مرکزی فعال برای ادبیات و علوم و هنر آن دوره بوده است و از همین سبب است که هرات آن زمان محل اجتماع عالمان و ادیبان و شاعران و خطاطان و نقاشان شده بود. مزید بر اینها شاهان این دوره آفرینشگران و هنرمندان را تشویق به تألیف کتب نموده اند. از میان شاهان این دوره، شاهرخ میرزا عامل اساسی رونق ادبیات و هنر (صفا، 1369: 4-11) در نیمه نخست سده نهم ه. ق. بوده است.

میرزا بایسنقر، که خود شاعر و خوشنویس بوده از عوامل رونق هنر و ادبیات این دوره شمرده می-شود. مزید بر این دو بابر میرزا، سلطان ابوسعید، سلطان حسین بایقرا، امیر علیشیر نوایی و ... نیز در رشد و شگوفایی، تحول و تکامل هنر و ادبیات این دوره نقش فوق العاده مؤثر و درخوری تأملی داشته اند.

3-2. تغییر زمینه‌ی فرهنگی-ادبی

زمینه‌های فرهنگ مناسب، بستریست برای رشد هنر و ادبیات و تأثیرگذار در هنر آفرینشگران و شعر شاعران. به تعبیر دکتر فتوحی: بر هر عصری، حقیقتی مسلط است، این حقیقت مسلط در پی خود ذوق و ذهنیت همسان و مشابهی را پرورش داده، دیدگاه و نگرش‌های شاعران را نزدیک به هم می‌گرداند. مردم هر عصر دارای ذوقی خاص و نوع ویژه‌ی زنده‌گی می‌باشند. هرچند فرد همه‌واره مستقل است؛ مگر هرگز بیرون از نظام‌های اخلاقی، زیبایی‌شناختی، فلسفی، مذهبی، اجتماعی و زبانی جامعه خود نمی-تواند، باشد و ناگزیر از دریچه‌ی این نظام‌ها به جهان می‌نگرد (فتوحی، 1390: 82-83). با این تعبیر زمینه‌های فرهنگی دوره تیموریان تأثیرات جدی در نوع نگاه آفرینشگران و چگونگی تولید هنری شان داشته است. چارلز فرانگ تا آنجا بر این امر تأکید دارد که می‌گوید: تیموریان حتی ثروت خود را صرف مجاهدات فرهنگی (Charls, 1989: 281)، می‌نموده اند.

تفاوت بزرگ تیموریان و چنگیزیان در این است که، اخلاف تیمور بیشترین به سبب اعتقادی که به دین مبین اسلام داشته اند و پیوندی که با تمدن خراسان زمین به هم رسانیده بودند، هرگز با آن درنده‌خویی و ویرانگری مغولان قابل مقایسه نبودند... مزید بر اینها، آشنایی با شعر و ادب و هنر از آنان، حامیانی برای ادب و هنر (صفا، 1369: 40-41) حوزه تمدنی زیر تسلط شان ساخته بود.

در زمان چنگیز خان مغول و بازمانده‌گانش یاساهای چنگیز به عنوان قانون اجرا می‌شد؛ مگر در سال 815 هـ ق که هنوز چند سالی از حاکمیت تیموریان نگذشته بود، این یاساها به فرمان شاهرخ میرزا پسر تیمور منسوخ گشت و قواعد فقهی اسلامی انحصاراً اساس صدور حکم شد (همانجا). علامه صلاح الدین

سلجوقی نیز دیدگاهی شبیه این دارد. به تعبیر او تیموریان و اخلافش مردمانی بودند علم دوست و هنرپرور، احترام به علم و علما؛ خدمت به علم و ادب در خراسان؛ تعالی پایه‌ی علم، ادب، سخن (سلجوقی، 1380: 76) از ویژگی‌های برجسته نظام فرهنگی حکومت تیموریان به ویژه در هرات بوده است. به گونه کلی گرایش زیاد به شاعری؛ عنایت اغلب امرا به شعرا؛ گرایش و رواج روز افزون فارسی نویسی به جای عربی نویسی- که در دوره قبل سخت مروج بوده- نوشتن شرح و تفسیرها بر متون فلسفی، عرفانی، هنری و ... از ممیزات برجسته این دوره بوده است و در نهایت در این عصر، زبان دری زبان علم و فرهنگ شده بود.

3-3. اوضاع شعر و شاعری

بازار شعر شعر و شاعری چنان‌که در دوره تیموریان پر رونق بوده در هیچ نظام دیگری بدان حد گزارش نشده است. درباریان ای بسا که دست به آزمون توانایی شعرا می‌زدند تا میزان تبحر و مهارت شان را بیازمایند. تشویق، ترغیب و حمایت شاهان و شهزادهگان از زمینه‌های دیگر افزونی رونق شعر و شاعری در این دوره پربار ادبی بوده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های این دوره وجود امرا، سلاطین و شهزادهگان شاعر بوده است. با نگاه کلی به سرچشمه‌های ادبی این دوره به ساده‌گی می‌توان دریافت که بسیاری از سلاطین و امرای این عهد شاعر بوده اند از جمله: خلیل سلطان پسر میرانشاه، اسکندر میرزا پسر میرزا عمر شیخ، زین الدین ابابکر میرزا از نوادهگان تیمور، الغ بیک میرزا پسر شاهرخ، غیاث الدین بایسنقر، ابوالقاسم بابر میرزا پسر بایسنقر، عبدالطیف میرزا نواده شاهرخ، سلطان مسعود میرزا نواسه سلطان ابوسعید، میرزا ثانی برادر سلطان مسعود میرزا، سلطان حسین بایقرا، شاه غریب میرزا، فریدون حسین میرزا و محمد حسین، محمد مؤمن میرزا، مظفر حسین میرزا، پسران بایقرا، ظهیرالدین محمد بابرشاه پسر عمر شیخ میرزا و دیگران همه شاعر بوده اند و از برخی‌ها آثار بجا مانده است. تعداد امرای شاعر بدان حد بوده است که فخری هروی برای ایشان تذکره جداگانه به نام «روضت السلاطین» را نوشته است (راشدی، 1350: 422). او در این اثر به معرفی شاهان و شاهزادهگان شاعر این دوره پرداخته است.

افزون بر این، آمدن شعرا از حوزه‌های مختلف شعری دیگر به مرکز ادبی هرات نشانه پر رنگ دیگری از رونق این بازار بوده است. کاتبی نیشابوری، قاسم انوار، برندق خجندی، فیضی تربتی، شرف‌الدین علی یزدی، امیرشاهی سبزواری، حسن شاه هروی (زاده مشهد)، بابافغانی، آنسی، هلالی جغتایی، هاتفی، اهلی شیرازی و ... از شاعرانی پرآوازه‌یی اند که از اطراف و اکناف حوزه زبانی فارسی دری به این مرکز می‌آمده اند، تا هم بیاموزند و هم به فرآورده‌های و آفرینش‌های خود فرصت معرفی و عرضه بهتر و بیشتری بدهند. به همین گونه است افزونی شمار شاعران زن. مه‌ری هراتی، آتونی، آفاق بیگه جلاپر، آغابیکه، فخرالنساء، زیب النساء، نهانی، آرایش بیگم، بی بی آرزو سمرقندی، ملکه سید بیگی گرگانی، بی نشان، بی بی بیدلی، بچه منجمه و ... از شاعرانی اند که نام و نسب و آفرینش‌های شعری شان اقبال چاپ در تذکره ویژه‌یی زنان به نام «جواهرالعجایب» از فخری هروی (براون، 3: 422 و راشدی، 1350: 422) یافته است.

3-4. تغییر حوزه‌ی جغرافیایی

در نهاد و نهان برخی تلقی‌ها از دوره، میان زمان و مکان نوعی ملازمت وجود داشته است. از این سبب مفهوم فضا و مکان‌مندی، یک دوره ادبی در فضای میان دو دوره پیش و پس از خود به روشنی قابل مشاهده است. بنابراین تغییر مرکز ادبی از عراق عجم به خراسان (هرات) و رنگ و شکل بخشیدن به مکتب ادبی هرات، از این دست می‌تواند باشد. در این زمان بی شبهه هرات مرکز نوآوری و سایر حلقه‌های شعر و حوزه‌های حاشیه‌ی بوده اند. فرید من، به درستی بیان می‌نماید که همواره در حوزه‌های فرهنگی یکی از مکان‌ها مرکز نوآوری بوده و سایر مکان‌ها در حاشیه آن قرار داشته اند. در بسیاری از سرچشمه‌های ادبیات‌شناسی حوزه تمدنی فارسی دری، خراسان (هرات)، بزرگترین حوزه ادبی در دوران تیموریان به عنوان مرکز قدرت نظام بوده است. تأثیر لهجه و مضامین مربوط به آن و گویش خراسان میان گوینده‌گان و شاعران، گواهی بر این ادعا است. سودبری از بانزدهای مردمی، راهیابی بسیاری از امور عادی و دم دست روزمره‌ی مردم حوزه خراسان به عنوان مضامین تازه و نوآیین از این جمله اند. و اگر ذبیح الله صفا می‌گوید: «حوزه علمی، ادبی و هنری هرات در عهد سلطان حسین بایقرا منشاء تحول تازه‌ی در محیط فکری و معنوی (صفا، 1369: 94) در گستره حوزه تمدنی زبان فارسی دری شده، هرگز به گزافه نگفته است.

3-5. تغییر و توسع مخاطبان شعر

از عوامل دیگر تمایز و تحول ادبی، تغییر و توسع مخاطبان است؛ زیرا مخاطبان یک یا مجموعه‌ی آثار بدون شک در چگونگی تکوین یک دوره ادبی تأثیر گذار می‌باشند. در دوره خراسانی شعر درباری بوده و بیشتر حس فضل‌فروشانه و فخیم سرایشگران را ارضاء می‌نموده است. در دوره عراقی کمتر نظامی یا سلسله‌ی از حکام بوده اند که حامی شعر و ادب و فرهنگ باشند، مگر با آن هم اغلب مخاطبان شعر دوره عراقی، درباریان بوده اند؛ اما در این دوره هم حمایت دربار از فرهنگ شعر و شاعری قابل مشاهده است و هم زبان ساده شعر و سودبری فراوان از گویش‌های مردمی و افزونی زبانزدهای مردمی، عامه مردم را مخاطب شعر ساخته است. از چشم‌اندازی دیگر می‌دانیم که مخاطب گرایان، از منظر سبک‌شناسی نقشگرا، سبک‌ها و دوره‌های ادبی را به رسمیت می‌شناسند و یا از هم تفکیک می‌نمایند. از این رهگذر نیز می‌توان پذیرفت که این تغییر و توسع مخاطب شعر، نقش ارزنده در دگرگونی، تحول، تکامل، افزونی، رواج و مقبولیت بیشتر شعر این دوره داشته است. البته که موضوع و مضمون شعر این دوره را نیز، که بیش از هر زمانی به زنده‌گی همه‌ی مردم پیوند داشته نمی‌توان از نظر دور داشت و یا رابطه مخاطبان با شعر این دوره، که به شدت به اقتضای زمان و مکان بوده، به دیده نگرفت.

3-6. تغییر و تحول زبان شعر

بدیهی است که زبان در روند کارکرد و نقش‌آفرینی خود معروض به تغییر و تحول است وقتی سهم شعر از زبان کارکردی عموم بیشتر باشد، طبیعی است که خود آفرینش‌ها نیز بیشتر مورد پسند توده عظیم

مردم قرار می‌گیرد. از زاویه دیگر بسامد بالای سودبری از زبان محاوره‌یی، سبب تغییر و تحولی درخور در زبان شعر این دوره شده و آن را از دوره‌های پیشین متمایز ساخته است. تغییر و تمایز زبان شعری خود یکی از زمینه‌های برجسته تحول سبک ادبی است. با این حساب شکی نیست که افزونی مخاطبان شعر؛ توسع حوزه سودبری از زبان، ورود واژه‌ها، ترکیب‌های عامه و مردمی در حوزه شعر و ادبیات و به همین گونه ورود گویش‌های خراسانی به ویژه گویش هرات، بخارا، سمرقند و...؛ عنایت به زبان کوچه و بازار که موجب کاهش بسامد کاربرد زبان عربی از عوامل عمده و اساسی تغییر و تحول زبان شعر در مکتب ادبی هرات گردیده است. محمد تقی ملک‌الشعرا بهار دقیق فرموده است که «دگرگونی زبان حاصل تغییر اندیشه» (بهار، 1331: 117) از منظر سبک‌شناسی می‌گردد.

3-7. نقش سنت و میراث ادبی

شکی نیست که افزونی گرایش به سنت و میراث سنتی، موجب کاهش سرعت تغییر و تحول در سبک هنر و ادبیات می‌گردد؛ به عکس فزونی عدول از سنت‌های متداول و گرایش به نوگرایی و تجدد، سبب تسریع دگرگونی سبکی. در آغاز دوره تیموریان، میزان گرایش شعرا به الگوهای متداول و سنت شعری پیشین کم نبوده است؛ اما این عنایت تنها به مرکز ادبی فارس و یا عراق عجم نبوده است؛ بلکه توجه و عنایت شعرا به شعر امیر خسرو و حسن دهلوی موجب تنوعی جدی و مطلوب گردید، که این امر می‌تواند یکی از زمینه‌های تحول و دگرگونی شعر این دوره بوده باشد.

افزون بر این، در میان شاعران برجسته این دوره کم نیستند کسانی که اهتمام‌شان به گریز از هنجارهای گذشته و عنایت‌شان به ترفندهای نوآیین سبک شعری به روشنی قابل مشاهده نباشد. اگر نیمه نخست سده پانزده را شاهد برجسته‌گی استقبال و نظیره‌سرایی و الگوگیری از شاعران پیشین- آن هم متأثر از آزمون درباریان به منظور سنجش مهارت شاعری- بدانیم؛ نوآوری و گرایش روز افزون برای آفرینش مضامین تازه و نوآیین در نیمه دوم سده نهم و ربع نخست سده دهم بسیار به روشنی قابل مشاهده است. به تعبیر دکتر صفا: شیوه‌ی شاعران نیمه‌ی دوم عصر تیموری دگرگون شده بود و تازه‌گی و نوآیینی از سبک سخن، اندیشه و آفرینش مضمون‌های آنان مشهود بود» (صفا، 1369: 94).

4. نتیجه گیری

«سبک ادبی» چه فردی و چه گروهی، حاصل نظامی از هنجارهای بیرونی و درونی یک متن یا مجموعه‌یی از متون ادبی‌ست. به عبارتی دگرگون، سبک ادبی دوره‌یی مجموعه‌یی از ویژه‌گی‌هایی مشترکی‌ست که میان متن‌های آفرینشگران یک دوره زمانی یا محدوده جغرافیایی ویژه، هستی دارد. چنان‌که بررسی شد، در زمینه تغییر و تحول سبک و سبک‌شناسی ادبی دیدگاه متفاوتی وجود داشته که گاه برخی از این دیدگاه‌ها در تقابل باهم قرار دارند. همین امر موجب شده که شیوه‌ها و روش‌های متفاوتی در میان سنت‌گرایان، متن‌گرایان، تاریخ‌گرایان و... وجود داشته باشد و امروزه گاه برخی از سبک‌شناسان از این شیوه‌ها و روش‌ها به گونه تلفیقی و التقاطی سود می‌برند. آنچه مسلم است، این‌که،

سبک ادبی و به ویژه سبک ادبی دوره‌یی در روند آفرینشی متون ادبی توسط هنرمندان، معروض به دگرگونی و تحول و تکامل می‌گردد.

این تغییر و تحول، عوامل و زمینه‌های متعددی داشته‌اند، که در متن به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. نیم‌نگاهی به چشم‌اندازهای مختلفی چون تاریخ‌گرایی، دوری، تکامل طبیعی فرسایش و مُد از این دست بودند. به همین‌گونه زمینه‌های همچون متغیرهای سیاسی-اجتماعی، فرهنگی-ادبی، جغرافیایی، مخاطبان، تحول زبان، و نقش سنت و میراث ادبی در امر تغییر، تحول و تکامل به شدت مؤثر بوده و نقش ایفا می‌نمایند.

در بررسی عوامل و زمینه‌های تغییر سبک دوره‌یی، به روشنی دریافتیم که، شعر مکتب ادبی هرات معروض به تغییراتی شده است که آن را از دوره پیشین و پسین متمایز می‌سازد. برخی از ویژگی‌ها مکتب پیشین را در خود حفظ کرده که در دوره بعدی یعنی در مکتب ادبی هندی، عنصر سبکی شناخته نمی‌شوند. البته که شاعران توانمند این دوره، برخی از آن ویژگی‌هایی را که فرسایش یافته و کلیشه و یا نخ نما شده بودند، را پس پشت نهاده‌اند، و به همین‌سان برخی مولفه‌های جدیدی در آن راه یافته که در مکتب یا دوره ادبی پیشین عنصر سبکی شناخته نمی‌شوند؛ اما درست و راست همین مولفه‌ها سنگ بنای مکتب ادبی هندی را گذاشته‌اند. این سخنی است بسیاری از صاحب‌نظران، حتی آنانی که ادبیات دوره تیموریان هرات را نوعی انحطاط ادبی تلقی نموده‌اند. از جمله محمد تقی ملک الشعرا بهار در کتاب سبک‌شناسی خود به این امر اعتراف نموده که: «سبک هندی در هرات ریشه می‌گیرد» (بهار، جلد 3: 186).

حاصل کلام این که، در مکتب ادبی هرات هم شاهد افزونی تولید ادبی در زمینه‌های مختلف، ژانرهای متعدد و متنوع می‌باشیم، هم شاهد توسع مخاطب و یا مخاطبان شعر با توجه به میزان عنایت به زبان و گویش‌های مردمی و به ویژه زبان‌زدهای عامیانه و هم شاهد عنایت جدی به مضمون آفرینی و نوجویی و ایجاد مضامین نوآیین از امور پیش پا افتاده و دم دست. مزید براین، با توجه به آنچه در متن به تفصیل آمد، شاهد تغییر مرکز ادبی از عراق عجم به خراسان و به ویژه مرکز آن یعنی هرات بوده ایم، هر چند حلقه‌های خُرد و ریز دیگری نیز در حوزه‌های دیگر تمدنی زبان فارسی دری وجود داشته؛ اما آن حلقه‌ها به شدت از حوزه مرکزی متأثر بوده‌اند.

با توجه به آنچه مورد بررسی و فروکاوی قرار گرفت، شعر دوره تیموریان به مرکزیت هرات به عنوان دوره عبور از مکتب ادبی عراقی به هندی و سبکی دوره‌یی بینابین، میان این دو مکتب (عراقی و هندی) می‌باشد که ما از آن به «مکتب ادبی هرات» تعبیر می‌نماییم.

منابع

1. امین پور، قیصر. (1384). *سنت و نو آوری در شعر معاصر*، تهران: علمی فرهنگی.
2. براون، ادوارد. (1367). *تاریخ ادبیات ایران* (از نیمه‌ی قرن هفتم تا اخیر قرن نهم هجری، عصر استیلای مغول و تاتار)، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات مروارید.
3. بهار، محمد تقی. (1331). *سبک شناسی*، ج3، تهران: انتشارات امیر کبیر.
4. پورنامداریان، تقی. (1388). *در سایه‌ی آفتاب* (شعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولوی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن).
5. حبیبی، عبدالحی. (1384). *اندیشه‌ی جامی* (پژوهشی در افکار و جهان بینی مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی هروی علیه الرحمه)، کابل: مرکز تحقیقات علامه حبیبی.
6. راشدی، حسام الدین. (1350). *فخری هروی و سه اثر او*، ترجمه‌ی محمد مظفر، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره‌ی دوم، سال هفتم.
7. رهیاب، محمد ناصر. (1381). *سبک شناسی*، هرات: پوهنتون هرات.
8. سارلی، ناصر قلی. (پاییز 1391). *مفهوم دوره در مطالعات ادبی*، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی نقد ادبی، سال 5، شماره‌ی 19.
9. سلجوقی، صلاح الدین. (1380). *نقد بیدل*، تهران: نشر عرفان.
10. صبور، داریوش. *آفاق غزل فارسی* (پژوهشی انتقادی در تحول غزل و تغزل از آغاز تا امروز)، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار.
11. صفا، ذبیح الله. (1369). *تاریخ ادبیات در ایران*، ج4، چاپ هشتم، تهران: فردوس.
12. فتوحی، محمود. (1390). *سبک شناسی- نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.
13. کروچه، بند تو. (1344). *کلیات زیبایی شناسی*، ترجمه‌ی فولاد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
14. Charles, F. (1989). **Persian poetry in the Timurid period**. - University of Californian, Berkley. Printed by xerographic process on Acid-Free paper, ChapterI.
15. Brown, Gillian and George Yule. (1983). **Discourse analysis**. Cambridge University Press.
16. Hendricks, W.O. (1976). **Grammars of Style and Style of Grammar**. Amsterdam: North Holland.
17. Wellek, Rene. (1986). **A history of modern criticism: 1750-1950**. English criticism: 1900-1950. yale University press Volume 5.